

موانع و مشکلات سفر حج ایرانیان در روزگار سلجوقیان

علی غفرانی*
زهرا نوروزی**
زهرا پیرگزی***

چکیده

سفر حج به‌عنوان یک فریضه دینی، در روزگاران گذشته سفری سخت، خطرناک و گاه بی‌بازگشت و همراه با مشکلات بسیار بوده است. در روزگار حاکمیت سلجوقیان بر ایران (۴۲۹ - ۵۹۰ ق)، از یک‌طرف گاه شرایط اقتصادی نامناسب در سفر حج تأثیر می‌گذاشت و از طرف دیگر، حاجیان با مشکلات زیادی از جمله ناامنی ناشی از غارتگری اعراب بادیه، حمله‌های ناگهانی اسماعیلیان، کمبود آب و آذوقه، قحطی و بیماری‌های کشنده‌ای مانند وبا روبه‌رو می‌شدند. اختلافات سیاسی در این دوره مانند اختلافات سلاطین سلجوقی، استقلال‌طلبی برخی امیران عراق و اختلافات امیران مکه با امیرالحاج نیز، بر مشکلات سفر حاجیان می‌افزود. این مقاله بر آن است تا با استفاده از گزارش‌های تاریخی، موانع و مشکلات سفر حج در دوره سلجوقیان را با روش توصیفی - تحلیلی بررسی کند.

واژگان کلیدی

سفر حج، سلجوقیان، اسماعیلیان، قبیله خفاجه، حجاز.

sjdmu529@um.ac.ir

zahnoroozi@yahoo.com

zahra.pirgazi64@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۳۱

*. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد.

** عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲

طرح مسئله

فریضه حج به عنوان یک عبادت مهم، در طول تاریخ، پیوسته برگزار شده و مسلمانان باتحمل رنج فراوان، از سرزمین‌های دوردست در آن شرکت می‌کردند. مسلمانان مناطق شرقی به ویژه خراسان و ماوراءالنهر که با عنوان ایرانیان در این مقاله مشخص شده‌اند، بخش اعظم شرکت‌کنندگان در انجام این واجب الهی را تشکیل می‌دادند.

سلجوقیان به عنوان مهاجران بیگانه و تازه‌وارد، در فاصله سال‌های ۵۹۰ - ۴۲۹ هجری، بر مناطق وسیعی از جهان اسلام از خراسان تا عراق و شام حکومت می‌کردند، اما سلطه آنان بر مناطق بیابانی جنوب عراق و شبه جزیره عربستان پایدار نبود و این مناطق اغلب جولانگاه قبایل بدوی عرب بود. سلجوقیان اگرچه امپراتوری بزرگی تشکیل دادند، تفرقه و اختلافات داخلی مداوم بر سر دستیابی به قدرت، بخش جدایی‌ناپذیر حکومت آنان بود. حکومت سلجوقیان به سبب نفوذ عالمان ایرانی سنی مذهبی که در خراسان و ماوراءالنهر بدان‌ها پیوسته بودند و سازمان‌های دینی و دیوانی سلجوقیان را در دست داشتند، یک حکومت دین‌محور بود و قشری‌گری و عمل به ظواهر دین را بسیار تشویق می‌کردند. آنان همچنین احیای مجدد خلافت عباسی به عنوان نماد حکومت اهل سنت را در رأس برنامه‌های خود قرار داده بودند و برای رسیدن به این هدف، یک جریان شیعه ستیزی را به راه انداختند و شیعیان را که در روزگار آل بویه آزادانه در قلمرو شرقی جهان اسلام زندگی می‌کردند، تحت فشار و آزار قرار دادند و از شرکت در مدیریت سیاسی محروم ساختند. این رفتار سلجوقیان موجب شکل‌گیری جریان نظامی اسماعیلیه گردید. اسماعیلیان در جهت مقابله با سلطه سلجوقیان، در راه‌ها و شهرها ناامنی ایجاد می‌کردند. وقوع حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله و خشک‌سالی و سرما، از مشکلات دیگری بود که دامن ایرانیان را در روزگار حاکمیت سلجوقیان می‌گرفت.

در روزگار سلجوقیان، به سبب رونق قشری‌گری و عمل به ظواهر دین، سفر حج به عنوان یک عمل عبادی و آرزوی هر مسلمان، بسیار پرطرفدار و مورد توجه بود.

این مقاله در پی پاسخ دادن به این سوال است که؛ با وجود شوق وافر ایرانیان برای سفر حج

در روزگار سلجوقیان، مسافران حج با چه مشکلات و موانعی دست‌به‌گریبان بودند؟

شورش‌های گاه‌به‌گاه قبایل عرب در عراق و حجاز، بلایای طبیعی و بیماری‌های واگیر، فعالیت‌های نظامی گروه‌های اسماعیلی، اختلافات بی‌پایان مدعیان قدرت در خاندان سلجوقی، جنگ‌های فرسایشی داخلی، حمله غزان، اختلافات مذهبی و ورود دولتمردان و حاکمان در این

اختلافات، حاکمیت اندیشه کلامی اشعری، مناطق شرقی جهان اسلام را با مشکلات خاصی مواجه کرده بود و تمام ابعاد زندگی مردم اعم از اقتصادی، فرهنگی و دینی از جمله سفر حج را تحت تأثیر قرار می‌داد. در آن زمان، مشتاقان زیارت کعبه با مشکلات و موانعی مواجه می‌شدند که گاه حج را ناتمام می‌گذاشتند و گاه جان و مال خود را در این راه از دست می‌دادند و ما در این مقاله آن مشکلات را از نظر می‌گذرانیم:

۱. هجوم قبیله‌های عرب

هجوم قبیله‌های بیابان‌گرد عرب بر کاروان‌های حج و ایجاد ناامنی در راه‌های عراق و حجاز، یک مشکل دیرپا و کهن بود که پیش از برآمدن سلجوقیان نیز، سفر حج ایرانیان را در سال‌های بسیاری از سده‌های چهارم و پنجم هجری، با مشکل مواجه می‌کرد و گاه موجب تعطیلی سفر حج می‌شد.^۱ در قرن ششم هجری به سبب ضعف و ناتوانی سلجوقیان، حمله‌های اعراب بیابان‌نشین بر حاجیان افزایش یافته بود و این موضوع در برخی اشعار خاقانی با نوعی طعنه به تصویر کشیده شده است:

اعرابی مال دزد محتاج آید به خزینه‌داری حاج
گویند قبایل از سرحال کاهل العرب اِحذروا من المال^۲

یکی از قبیله‌های مهاجم و غارتگر، قبیله خفاجه از تیره‌های بنی عقیل بن کعب، از اعراب عدنانی شمالی بود^۳ که به عراق و جزیره مهاجرت کرده و از امرای قدیمی عراق به شمار می‌رفتند.^۴ کاروان‌های حج ایرانیان که از راه عراق به مکه می‌رفتند، ناگزیر از مواجهه با این قبیله غارتگر بودند؛ زیرا سکونتگاه‌های این قبیله، بخش‌های وسیعی از عراق، از هیت (شهری بین رَحَبَه و بغداد بر ساحل غربی فرات) و انبار در غرب بغداد تا حله، بئر قَلاحا، کوفه و ثرثار - بیابانی بزرگ در جزیره بین سنجار و تکریت - تا المثنی در بصره را شامل می‌شد.^۵

۱. ان جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، ج ۱۴، ص ۱۵، ۳۲، ۴۳، ۶۸، ۹۲، ۱۱۲، ۱۴۵، ۱۵۹، ۱۷۱، ۱۷۶.

۲۱۰، ۳۶۹ و ۳۷۴؛ ج ۱۵، ص ۱۵، ۳۲، ۴۳، ۶۸، ۹۲، ۱۱۲، ۱۴۵، ۱۵۹، ۱۷۱ و ۱۷۶.

۲. خاقانی شروانی، تحفه العراقین، ۱۹۱ - ۱۹۰.

۳. ابن حزم، جمهره انساب العرب، ص ۴۶۹.

۴. قلقشندی، نهاییه الارب فی معرفه انساب العرب، ص ۲۳۰.

۵. عمری، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، ج ۴، ص ۳۵۱.

راه حج عراق در دوره سلجوقیان نیز گاهی به سبب چیرگی این قبایل بیابان گرد، بسته می‌شد؛ از این رو، حاجیان مجبور می‌شدند از بیراهه خود را به مکه برسانند و سختی‌های زیادی را در این تغییر مسیر، متحمل می‌شدند. گاه نیز این تغییر مسیر برای حاجیان موفقیت‌آمیز نبود. به‌عنوان نمونه، در سال ۴۶۱ق، به سبب چیرگی اعراب، حاجیان از بیراهه به حج رفتند، اما بازهم مورد حمله اعراب بدوی قرار گرفتند و اموالشان غارت شد و برخی از حاجیان به اسارت درآمدند. ابوالمظفر سمعانی (۴۲۶ - ۴۸۹ق)؛ یکی از کاروانیان بود که به اسارت اعراب در آمد و تا مدتی به بردگی گرفته شد.^۱

در روزگار حاکمیت سلاطین قدرتمندی مانند آلپ ارسلان و ملکشاه، تعرض عرب‌های بدوی به کاروان‌ها کاهش یافته بود، اما پس از مرگ ملکشاه (حک: ۴۶۵ - ۴۸۵ ق) قبیله خَفَاجَه، به کاروان حاجیان ایرانی در کوفه حمله کردند و بسیاری از حاجیان و سپاهیان امیرالحاج را کشتند.^۲ گاه، حمله اعراب غارتگر به کاروان حاجیان با برنامه‌ریزی و دستور امیر مکه صورت می‌گرفت. بر اساس گزارش ابن‌اثیر، امیر مکه محمد بن ابی‌هاشم (د. ۴۸۷ ق) در سال ۴۸۶ ق، با سوءاستفاده از موقعیت به وجود آمده پس از مرگ ملکشاه، با اجیر کردن اعراب بدوی، همه اموال و شترهای حاجیان را در نزدیکی مکه غارت کرد.^۳

کاروان‌های غارت‌شده که گرفتار مصائب بسیار می‌شدند، ناگزیر از تغییر مسیر بازگشت خود بودند. اسماعیل ابوالمعالی برانی بخاری و همراهان او که در سال ۵۲۴ ق، در راه سفر به مکه، به دست اعراب افتاده و اموالشان غارت‌شده بود، با سختی زیاد - خود را به مکه رسانده و با کشتی از راه یمن به بنادر جنوبی ایران و کرمان و سپس به خراسان بازگشتند.^۴

گاه تغییر مسیر حاجیان موفقیت‌آمیز بود؛ مثلاً در سال ۵۵۳ق حاجیان در نزدیکی مدینه، بااطلاع از کمین اعراب، مسیر خود را تغییر داده و از خطر هجوم اعراب نجات‌یافته بودند.^۵ همچنین حاجیان در سال ۵۶۱ ق، به علت هجوم اعراب، مسیر خود را تغییر دادند که در این تغییر مسیر، با مشکلات زیادی روبه‌رو شدند.^۶

۱. سبکی، طبقات الشافعیه الکبری، ج ۵، ص ۳۳۶.

۲. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، ج ۱۶، ص ۳۰۱؛ ابن‌اثیر، الکامل فی تاریخ، ج ۱۰، ص ۲۱۷.

۳. ابن‌اثیر، الکامل فی تاریخ، ج ۱۰، ص ۲۲۵؛ ابن‌قلانسی، ذیل تاریخ دمشق، ص ۱۲۵.

۴. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، ج ۱۷، ص ۲۶۱.

۵. ابن‌اثیر، الکامل فی تاریخ، ج ۱۱، ص ۲۳۹.

۶. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، ج ۱۸، ص ۱۷۱.

قبیله خفاجه به سبب ضعف سلاطین سلجوقی و خلیفه عباسی، در سال ۵۵۸ ق در عراق شورش کرده و راه را بر کاروان‌های حج در باب خربیه بغداد بستند.^۱ همچنین در سال ۵۶۳ ق در منطقه حله، حاجیان را مورد حمله قرار داده، برخی را کشتند و اموالشان را نیز غارت کردند.^۲ گاه ترس زیاد حاجیان از هجوم اعراب باعث می‌شد تا امیران حاج با فریب دادن حاجیان و همدستی با اعراب غارتگر، اموال حاجیان را چپاول کنند؛ مثلاً اعراب در سال ۵۸۹ ق در زمان امارت حاج سنجر بن عبدالله ناصری، راه کاروان حج را بستند. امیر سنجر مبلغ پنجاه هزار دینار از حاجیان گرفته و به اعراب داد. پس از بازگشت امیرالحاج به بغداد، خلیفه الناصر (خلافت: ۵۷۵ - ۶۲۲ ق)، این مبلغ را از وی گرفته و او را عزل کرد؛^۳ عزل امیرالحاج به دستور خلیفه و از طرفی کوچکی گروه اعراب مهاجم و زیاد بودن سپاهیان امیرالحاج که به گزارش ابن کثیر، ۵۰۰ نفر بودند، نشان می‌دهد که امیرالحاج برای غارت اموال حاجیان با اعراب همدستی کرده بود؛ در غیر این صورت، شکست یک سپاه پانصد نفر مجهز دولتی، از یک گروه عرب بدوی کوچک، بعید به نظر می‌رسد. یکی دیگر از قبیله‌های بدوی مهاجم به کاروان‌های حج، قبیله زَعب بود. بنی زَعب تیره‌ای از قبیله بنی سُلَیم از اعراب عدنانی شمالی بودند که در منازل میان مکه و مدینه سکونت داشتند.^۴ نسب این قبیله به زَعب بن مالک بن خفاف بن امرؤ القیس بن شهبه بن سلیم می‌رسید و از جمله قبیله‌هایی بود که پیامبر در روز فتح مکه، با آنان پیمان صلح بسته بود^۵ و در روزگاران پیش از اسلام و حتی در دوره اسلامی به دزدی و غارت معروف بوده است. اعراب بنی سُلَیم در دوره آل بویه، نیز از سال ۴۰۳ ق تا سال ۴۲۴ ق راه را بر کاروان‌های عراق می‌بستند و راه حج را ناامن می‌کردند.^۶

اعراب بنی زَعب در ۱۴ محرم سال ۵۴۵ ق، در غرابی (ناحیه‌ای میان مکه و مدینه) به کاروان خراسان که شامل حاجیانی از فقیهان، عالمان و قاضیان خراسان و خاتون‌های امیران لشکری می‌شد، هجوم برده و اموالشان را غارت کردند.^۷ به گزارش ابن قلانسی، در نتیجه این حمله، افراد

۱. همان، ص ۱۵۶.

۲. همان، ص ۱۷۶.

۳. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۳، ص ۶۶.

۴. قلقشنودی، نهایه الارب فی معرفه انساب العرب، ص ۲۵۱.

۵. ابن اثیر، اللباب فی تهذیب الانساب، ج ۲، ص ۶۸.

۶. مالکی، بلاد الحجاز منذ بدایه عهد الاشراف حتی سقوط الخلافة العباسیه فی بغداد، ص ۷۵.

۷. ابن اثیر، اللباب فی تهذیب الانساب، ج ۲، ص ۶۸؛ بنداری، تاریخ سلسله سلجوقی، ص ۲۶۹.

بسیاری کشته شدند، زنان بسیاری هتک حرمت شدند و اموال و کالاهای گران بهایی از کاروانیان به یغما رفت و گروهی نیز از گرسنگی و تشنگی جان باختند.^۱ احمد بن ابراهیم بن محمد ابوالعباس اصفهانی (د. ۵۴۵ ق)، از جمله جان باختگان این حادثه بود.^۲ حاجیانی که زنده مانده بودند، از راه شام بازگشتند و هزینه بازگشت سفر ایشان به کمک عده‌ای از بزرگان دمشق تأمین شد. ابوالمعالی عبدالملک بن ابی نصر بن عمر جیلی (د. ۵۴۵ ق) از مردم گیلان، از حاجیان ایرانی گرفتار در این حادثه بود.^۳

۲. حوادث طبیعی

وقوع حوادث طبیعی مانند زلزله، سیل، سرما، قحط و خشک‌سالی - اگرچه اختصاص به زمان خاصی نداشت - از موانع بزرگ سفر حج ایرانیان در دوره سلجوقیان بود. حوادثی مانند قحط و وبا، گاه به واسطه عوامل طبیعی مانند زلزله، سرما، خشک‌سالی و کمبود باران و گاه به واسطه عوامل انسانی مانند جنگ‌های پی‌درپی حکومت‌ها و اختلافات سیاسی به وجود می‌آمد.

قحطی، کم‌آبی و وبا، از جمله حوادث غیرقابل پیش‌بینی بود که همیشه مسافران حج را تهدید می‌کرد. وقوع قحطی برای حاجیان، گاه در مسیر حج و گاه در شهر مکه بود. گاه نیز وقوع قحطی در یک منطقه باعث عدم استطاعت مردم برای سفر حج می‌شد. قحطی سال ۴۳۹ ق و ۴۴۰ ق در مکه، باعث تعطیلی سفر حج کاروان‌های مناطق شرقی جهان اسلام شد. به گزارش ناصر خسرو که خود در آن سال‌ها در مکه بود: «گرانی و قحطی در مکه چنان شدید بود که هر چهار من نان را به یک دینار نیشابوری می‌فروختند و به سبب این گرانی، مجاوران از مکه می‌گریختند».^۴ با توجه به گزارش ناصر خسرو از شرایط اقتصادی مکه، احتمالاً کسی در آن سال‌ها به سفر حج نمی‌رفت.

قحطی، رابطه تنگاتنگی با بیماری وبا داشت؛ زیرا در منابع تاریخی، به دنبال هر گزارش قحطی، گزارش یک وبای همه‌گیر نیز آمده است. مثلاً منابع تاریخی در گزارش قحطی و گرانی سال ۴۳۹ ق، از شیوع بیماری وبا در مناطق مختلف عراق از جمله بغداد، موصل، سخن گفته‌اند.^۵

۱. ابن قلانسی، ذیل تاریخ دمشق، ص ۳۱۰.

۲. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۷، ص ۲۱۵.

۳. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، ج ۱۸، ص ۸۰.

۴. قبادیانی، سفرنامه، ص ۱۰۵ - ۱۰۴.

۵. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۵۴۱؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، ج ۱۵، ص ۳۰۸.

این کثیر نیز گزارشی از سفر حج عراق و خراسان در این سال‌ها نیاورده است؛^۱ زیرا ظاهراً به سبب این مشکلات، سفر حج به صورت رسمی، مختل می‌شد؛ به طوری که حاجیان یا اصلاً به حج نمی‌رفتند، یا از نیمه‌راه بازمی‌گشتند. قحطی خراسان، جبال، موصل، دیار بکر و حجاز در سال ۴۴۸ ق، باعث افزایش قیمت‌ها و شیوع وبا و قطع راه‌های کاروان رو، به علت غارت‌های پیوسته راهزنان شد.^۲ گاهی نیز قحطی بر اثر عوامل طبیعی بود؛ احتمالاً مردم به علت سرمای زیاد و سیل شدید و درنهایت از میان رفتن محصولات کشاورزی در خراسان و بروز قحطی، در سال ۴۶۴ ق نتوانستند به حج بروند.^۳ زلزله شدید سال ۵۲۹ ق در جبال و عراق^۴ و پیدایش قحطی و گرانی و کشته شدن بسیاری از مردم،^۵ می‌تواند یکی از علل اختلال در سفر کاروان‌های حج در طول سال‌های ۵۳۲ - ۵۳۰ ق بوده باشد.

بعضی موانع سفر حج ایرانیان در دوره سلجوقیان را می‌توان در قحطی‌های ناشی از اختلافات سیاسی و جنگ‌های پی‌درپی و هزینه‌های بالای تأمین سازوبرگ و آذوقه سپاهیان جستجو کرد. احتمالاً خشک‌سالی و قحطی سال ۵۱۲ ق^۶ و همچنین جنگ‌های شدید میان سلطان محمود و سنجر سلجوقی (حک: ۵۱۱ - ۵۵۲ ق) در سال ۵۱۳ ق،^۷ از عوامل اختلال سفر حج در سال ۵۱۴ ق بود. قحطی سال ۵۲۰ ق در عراق نیز که ناشی از اختلاف میان خلیفه عباسی مسترشد بالله (خلافت: ۵۱۲ - ۵۳۰ ق) و سلطان محمود سلجوقی (حک: ۵۱۱ - ۵۲۵ ق) بود،^۸ سفر حج را با مشکل مواجه کرده بود. همچنین قحطی و گرانی در خراسان، جبال و عراق به واسطه جنگ و درگیری‌های سیاسی سلجوقیان و خلفای عباسی در سال ۵۴۳ ق،^۹ سفر کاروان‌های ایران به حج را مختل کرده بود. همچنین بروز قحطی و وبا در شهرهای خراسان در سال ۵۴۸ ق^{۱۰} به سبب

۱. ابن کثیر، *البدایه والنهایه*، ج ۱۲، ص ۵۶ و ۵۸.

۲. ابن جوزی، همان، ج ۱۶، ص ۵.

۳. ابن کثیر، *البدایه والنهایه*، ج ۱۲، ص ۱۰۲.

۴. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۱، ص ۳۴.

۵. راوندی، *راحه الصدور و آیه السرور*، ص ۲۲۹.

۶. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۰، ص ۵۴۴.

۷. ابن کثیر، *البدایه والنهایه*، ج ۱۲، ص ۱۸۴.

۸. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۰، ص ۶۳۵.

۹. همان، ج ۱۱، ص ۱۳۷.

۱۰. راوندی، *راحه الصدور و آیه السرور*، ص ۱۸۱ - ۱۷۷؛ ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۱، ص ۱۷۷ - ۱۷۶.

حمله و غارت غزان، باعث کشته شدن بسیاری از مردم و پیدایش شرایط نامناسب اقتصادی و عدم توانایی مردم برای سفر حج در سال‌های ۵۴۹ و ۵۵۰ ق شد.

در دیوان شاعران سده‌های پنجم و ششم، از بیماری‌هایی که حاجیان در راه حج به آنها مبتلا می‌شدند، یاد شده است. سنایی غزنوی (در حدود ۵۲۵ تا ۵۳۵ ق) در دیوان خود به سختی سفر حج و مبتلا شدن به بیماری زحیر* اشاره کرده است. احتمالاً زحیر مورد اشاره سنایی، از علائم بیماری وبا بوده است.

با هزاران خجالت و تشویر رفت زی مکه جفت گرم و زحیر^۱

قحطی و وبای ناگهانی، بسیاری از اوقات منجر به مرگ حاجیان در طول مسیر می‌شد. مثلاً قحطی و وبا در منازل مکه، فید، ثعلبیه و واقصه، در سال ۵۵۹ ق، جان بسیاری از حاجیان را گرفت^۲ و رسیدن این خبر به کاروان‌های بعدی، باعث شد تا حاجیان ایرانی در سال ۵۶۰ ق، از بغداد بازگردند.^۳ ابن جوزی در ذیل حوادث سال ۵۷۳ ق، از روبه‌رو شدن حاجیان با قحطی، گرانی و هلاک شدن چهارپایان در سفر به مکه سخن گفته^۴ و احتمالاً همین قحطی تا سال‌های بعد نیز ادامه داشته است. قحطی و گرانی شدید در سرزمین‌های جبال و عراق در سال ۵۷۴ و ۵۷۵ ق نیز سفر حج ایرانیان را مختل کرد.^۵

کم‌آبی یکی دیگر از حوادث طبیعی بود که گاه مسافران حج را در منازل حجاز گرفتار می‌کرد. این کم‌آبی‌ها، به سبب خشک‌سالی و گرمای شدید حجاز روی می‌داد. حاجیان خراسان در سال ۵۰۴ ق، به سبب اطلاع از کمبود آب در منازل راه مکه و احتمال مرگ بر اثر تشنگی، از کوفه بازگشتند.^۶ گاه این کم‌آبی چنان شدید می‌شد که حاجیان غالباً - به‌ویژه در منازل مکه - مجبور به نوشیدن آب آلوده می‌شدند و این موضوع احتمال ابتلا به بیماری وبا را افزایش می‌داد. به گفته ابن جبیر، در سال ۵۷۹ ق، آب چاه‌های منازل بیداء و زرود (ثعلبیه)، بسیار آلوده بود؛ اما حاجیان به

*. زحیر: اسهال خونی. (دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه زحیر).

۱. سنایی، دیوان، ص ۱۸۰.

۲. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۱، ص ۳۲۰.

۳. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، ج ۱۸، ص ۱۶۲.

۴. ابن جوزی، همان، ج ۱۸، ص ۲۳۵.

۵. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۱، ص ۴۵۱؛ خاقانی شروانی، تحفه العراقین، ص ۴۸.

۶. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، ج ۱۷، ص ۱۲۱؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۲، ص ۱۷۲.

علت تشنگی زیاد، از این آب می‌نوشتند.^۱ گاه حاجیان در مسیر حج، به سبب ازدحام برای نوشیدن آب، جان خویش را از دست می‌دادند. ابن جبیر، مرگ هفت تن از کاروان عراق را در سال ۵۷۹ ق، در منزل ثعلبیه، به علت شلوغی و شدت فشار برای نوشیدن آب، گزارش کرده است.^۲ سیل یکی دیگر از حوادث طبیعی بود که گاه حاجیان با آن روبه‌رو می‌شدند؛ به‌عنوان نمونه حاجیان در سال ۴۸۹ ق در وادی المناقب بعد از نخله* (بیابانی به فاصله یک‌شب راه تا مکه)، گرفتار سیل شدند و بسیاری از اموال و چهارپایان و توشه‌هایشان را از دست دادند.^۳ سرمای شدید و کمبود علوفه نیز از عوامل اثرگذار در جریان سفر حج بود.^۴

۳. حمله‌های اسماعیلیان

اسماعیلیان یا باطنیه، یکی از فرقه‌های فعال شیعی در حوزه سیاست و قدرت در دوره سلجوقیان بودند.^۵ تاریخ اسماعیلیه نزاری ایران از سال ۴۸۳ ق شروع و در سال ۶۵۴ پایان یافت.^۶ پیروان این فرقه در آن زمان، ضمن مبارزات شدید خود بر ضد حکومت شیعه ستیز سلجوقیان، با ایجاد ناامنی در راه‌ها، به کاروان‌های حج هجوم می‌بردند. سنایی در دیوان خود در قصیده‌ای که درباره سفر حج سروده، با به کار بردن عنوان «مُلجِد» برای اسماعیلیان، از خطر حمله‌های آنان یاد کرده است.

گه بعون هم‌رهان چون آتش اندر دی بُدیم گه بدست ملحدان چون آب در آبان شویم
ملحدان گر جادوی فرعونیان حاضر کنند ما بتکبیر عصای موسی عمران شویم^۷

اسماعیلیان معمولاً در نواحی کوهستانی مانند قومس و قهستان در قلعه‌های مستحکم سکونت داشتند؛^۸ برخی از این قلعه‌ها، مانند قلعه گرد کوه در نزدیکی دامغان و قلعه مهرین دژ در

۱. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۲۵۹.

۲. همان، ص ۲۵۵.

* نخله: بیابانی در جنوب مکه، در مسیر حاجیانی که از راه یمن به مکه می‌آمدند. (حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۷۷)

۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۲۶۰.

۴. بغدادی، عتبه الکتبه، ص ۱۶۰.

۵. شهرستانی، الملل و النحل، ص ۱۵۳.

۶. دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۳۸۱.

۷. سنایی، دیوان، ص ۳۲۵.

۸. لوئیس، تاریخ اسماعیلیان، ص ۱۹۶.

نزدیکی بسطام، در شاهراه خراسان به عراق در مسیر کاروان‌های حج قرار داشته است.^۱ گزارش‌های فراوانی درباره ترورهای فدائیان اسماعیلی در منابع تاریخی وجود دارد. از این گزارش‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که بیشتر قتل‌ها به صورت فردی اتفاق افتاده و کمتر کشتار دسته‌جمعی بوده است. در بررسی فهرست قربانیان اسماعیلی، بیشتر کشته شدگان نمایندگان طبقه حاکم، مانند خلیفه‌ها، شاهان، فرمانروایان، وزیران، سپهسالاران، قاضیان و سران فرقه‌های مذهبی، عالمان سنی و نیز به تعبیر اسماعیلیان، چند خائن بودند.^۲ بنابراین، بیشتر گزارش قتل‌های دسته‌جمعی کاروان‌های حج، جای تأمل دارد.

کلام؛ قلعه‌ای باستانی در ولایت رستمدر در کوه‌های طبرستان در شمال ایالت قومس، از قلعه‌هایی بود^۳ که اسماعیلیان از آنجا در زمان سلطان محمد بن ملک‌شاه (۵۱۱ - ۴۹۸ ق) راه را بر کاروان‌های حج در قومس می‌بستند و آنان را می‌کشتند.^۴

دهدایه؛ روستایی در غرب دامغان از منزلگاه‌های حاجیان بود. اسماعیلیان مستقر در قلعه گرد کوه در شمال دامغان، در نزدیکی این روستا، راه را بر حاجیان می‌بستند و از هر شتر، هشت دینار باج می‌گرفتند.^۵ این اجازه در جریان صلح سلطان سنجر به اسماعیلیان داده شده بود. کاشانی در *زبده التواریخ*، در این باره نوشته است: «و بدین مصالحه به روزگار او کار ایشان در ترقی بود. از خراج املاک که در ناحیه قومس به ایشان منسوب بود، چهار هزار دینار ادرار و انظار فرمود و به پای گرد کوه بر سبیل باج و بدرقه ایشان را اتاوه معین کرد تا از ابناء السبیل باج می‌گرفتند».^۶

یکی دیگر از جاهایی که اسماعیلیان به کاروان‌های حج هجوم می‌بردند، قلعه مهرین دژ بسطام بود که به گفته قزوینی رازی صاحب کتاب *التقض*، در پنجاه فرسخی شرق ری بوده است.^۷ به گزارش ابن‌اثیر، اسماعیلیان بسطام در سال ۵۵۳ ق با هجوم به حاجیان خراسان که در حال بازگشت از حج بودند، بسیاری از پیشوایان، عالمان، فقیهان و صالحان را کشتند. فردای آن

۱. ویلی، *آشیانه عقاب*، ص ۲۰۶.

۲. همدانی، *جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان)*، ص ۱۳۳ - ۱۳۲ و ۱۵۷ - ۱۵۶؛ بویل، *تاریخ ایران کمبریج*، ج ۵، ص ۴۳۹؛ ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۰، ص ۳۹۳ - ۳۹۲.

۳. لسترینج، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ص ۳۹۹.

۴. حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۴۷۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۴۹۱.

۶. کاشانی، *زبده التواریخ*، ص ۱۵۹.

۷. قزوینی، *بعض مثالب النواصب فی تقض بعض فضائح الروافض*، ص ۳۶۷.

روز، اسماعیلیان به بهانه آب دادن، حتی حاجیان زخمی نیمه‌جان را نیز کشتند.^۱ شایان ذکر است که گزارش ابن‌اثیر از اغراق و عناد نسبت به اسماعیلیان خالی نیست. تعداد کشتگان در گزارش قزوینی؛ صاحب *التقص*، چهارصد و هشتاد نفر^۲ و در گزارش ابن‌ابی‌الوفاء قرشی، هفتاد نفر آمده است.^۳ در صورتی که تعداد کشته‌شدگان در روایت ابن‌اثیر، خیلی بیشتر از گزارش قزوینی و قرشی است. ابوحفص نسفی؛ از فقیهان سرشناس حنفی سمرقند از جمله کسانی بود که در این حادثه کشته شد.^۴

دوره حکومت سلطان سنجر (حک ۵۵۲ - ۵۱۱ ق)، یکی از دوره‌های قدرت اسماعیلیان و همچنین مبارزه جدی سلجوقیان با این فرقه بود. در متن فرمانی که از درگاه سلطان سنجر، خطاب به وزیر خلیفه عباسی صادر شده، از ناامنی راه‌ها و غارت کاروان‌ها و اینکه سلطان سلجوقی برای حفظ امنیت و آسایش مردم، مجبور به صلح با اسماعیلیان شده، سخن رفته است.^۵ از سوی دیگر، ماهیت روابط اسماعیلیان و دولت سلجوقیان در زمان سنجر تغییر کرد. اسماعیلیان اگرچه از هدف‌های غایی نهضت خود چشم‌پوشیدند؛ اقدامات آنان در ایجاد رعب و وحشت در سرزمین‌های مرکزی کاهش یافت و توجه خود را به دفاع از مناطق تحت تصرف خود متمرکز کردند و حتی دولت آنان جنبه رسمی پیدا کرد.^۶

اسماعیلیان در روزگار فرمانروایی محمدبن حسن بن بزرگ امید (۵۶۱ - ۶۰۸ ق) نیز برای کاروان‌های حج مشکل ایجاد می‌کردند. به گزارش حمدالله مستوفی در کتاب *ظفرنامه*، راه‌های ایران در دوره او بسیار ناامن بود و کاروان‌ها غارت می‌شد. روشن است که کاروان‌های حج نیز از این ناامنی‌ها آسیب می‌دیدند. مستوفی در این باره، این‌گونه سروده است:

به دوران او ملحدان بی‌کران بکردند بی‌رسمی اندر جهان
ز نام آوران خون‌ها ریختند در اقلیم‌ها فتنه‌انگیختند

۱. ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۱، ص ۲۲۵.
۲. قزوینی، *بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، ص ۳۶۷.
۳. قرشی، *الجواهر المضمیة فی طبقات الحنفیه*، ج ۱، ص ۸۶.
۴. ابن جوزی، *المنتظم فی تاریخ الملوک والامم*، ج ۱۸، ص ۱۲۰؛ قرشی، *الجواهر المضمیة فی طبقات الحنفیه*، ج ۱، ص ۸۶.
۵. اقبال، *وزارت در عهد سلاطین سلجوقی*، ص ۳۱۰.
۶. لوئیس، *تاریخ اسماعیلیان*، ص ۲۱۱.

بپردندی از کاروان بارها به هر جا، نه یک بار، بل بارها
 ره کاروان‌ها همه بسته شد دل نامداران همه خسته شد^۱

اسماعیلیان گاه برای اجرای نقشه‌های خود در قتل افراد مهم، با کاروان‌های حج همراه می‌شدند. یکی از اسماعیلیان، در پوشش حاجیان خراسان در سال ۵۷۳ ق، ابن رئیس الروؤساء وزیر خلیفه عباسی مستضیء را به قتل رساند.^۲

شایان ذکر است که نامنی راه‌های ایران در قرن ششم هجری، تنها به مسیر کاروان‌های حج خلاصه نمی‌شد و یک بلای عمومی بود که اکثر راه‌های ایران را گرفتار کرده بود. بهاء‌الدین محمد بغدادی نویسنده کتاب *التوسل الی الترسل* در نیمه دوم قرن ششم هجری، بارها به صورت کلی و مبهم از نامنی راه‌های خراسان و خوارزم و ماوراءالنهر و درگیری نیروهای دولتی با راهزنان سخن گفته، اما ارتباط این حوادث با مسافران حج و تأثیر این راهزنی‌ها در سفر حج ایرانیان مشخص نیست.^۳

در کتاب *عنه الکتبه* علی بن احمد معروف به منتجب الدین جوینی نیز به صورت مبهم از نامنی راه‌های خراسان در قرن ششم هجری در زمان حکومت سنجر (حک: ۵۱۱ - ۵۵۲ ق) سخن رفته، اما از عوامل این راهزنی‌ها فقط از غزان یاد شده و تأثیر این حملات بر سفر حج مشخص نیست.^۴

خاقانی شروانی، شعری در مذمت راهزنان دیار قهستان دارد که احتمالاً مسبب آن نیز اسماعیلیان بودند؛ زیرا در زمان خاقانی قهستان از مناطق تحت سلطه اسماعیلیان بود؛ اما منطقه قهستان در مسیر کاروان‌های حج قرار نداشت.

غولان کمین گشای خون‌ریز غوغائی و روزخُسب و شب خیز
 روز از سر ره رَحیل کرده مهمانکده‌ها سَبیل کرده
 مقصد نه و جمله کاروانی دیده نه و پیشه دیده بانی
 با راهروان دلیل گشته پس راهزن خلیل گشته^۵

۱. مستوفی، *ظفرنامه*، ج ۶، ص ۲۹۰.

۲. ابن جوزی، همان، ج ۱۸، ص ۲۴۰.

۳. بغدادی، *التوسل الی الترسل*، ص ۲۵ - ۲۶ و ۳۶.

۴. جوینی، *عنه الکتبه*، ص ۴۳، ۶۱، ۷۹، ۱۲۴ - ۱۲۱ و ۱۶۹ - ۱۶۷.

۵. خاقانی شروانی، *تحفه العراقین*، ص ۳۱.

۴. مشکلات ناشی از درگیری‌های سیاسی

درگیری‌های سیاسی به‌ویژه اختلاف امیر مکه با امیرالحاج عراق نیز، یکی دیگر از موانع سفر حج ایرانیان در آن دوره بود که گاه باعث آزار حاجیان، غارت اموال و حتی کشته شدن حاجیان ایرانی می‌شد. اختلاف میان امیر مکه؛ هاشم بن فلیته بن قاسم علوی حسنی و امیر نظرالخادم امیرالحاج عراق در سال ۵۳۹ق باعث شد تا مکیان و اطرافیان امیر مکه، حاجیان را در حال طواف و نماز در مسجد، غارت کنند.^۱

انگیزه‌ها و علل اغلب درگیری‌ها میان امیرالحاج و امیر مکه، مسائل مالی و حرص و طمع مکیان در اموال حاجیان بود. به گزارش ابن جوزی، بیشتر حاجیان در سال ۵۵۷ ق به علت آشوب و فتنه‌های مکه، موفق به حج‌گزاری نشدند.^۲ ابن‌اثیر، دستبرد مکیان به اموال حاجیان را علت این موضوع دانسته است. مکیان به اموال حاجیانی که مشغول طواف بودند، دستبرد زدند و رسیدن این خبر به امیرالحاج، باعث برخورد میان یاران امیرالحاج و مکیان و کشته شدن افرادی از هر دو طرف شد و مکیان به‌تلافی این درگیری، هزار شتر از حاجیان را به غنیمت گرفتند. به همین سبب، برخی حاجیان تازه از راه رسیده، اجازه ورود به مکه نیافتند و حشاشان نیمه‌تمام ماند. به گزارش ابن‌اثیر، حاجیانی که همه اعمال حج را به‌جا آورده بودند، نیز به سبب غارت شترهایشان، پیاده به شهرشان بازگشتند و در راه بازگشت، رنج‌های بسیاری را تحمل کردند.^۳

اختلافات داخلی امیران مکه نیز یکی دیگر از موانع سیاسی بود که در امر حج‌گزاری مشکل ایجاد می‌کرد؛ مثلاً حاجیان در سال ۵۶۵ ق به سبب ترس از فتنه‌ای که میان عیسی بن فلیته و برادرش مالک بن فلیته رخ داده بود، تا صبح در عرّفه ماندند و موفق به انجام برخی مناسک نشدند.^۴

یکی دیگر از علل اختلافات امیر مکه و امیرالحاج، مشکلات سیاسی شهر مکه مانند موضوع جانشینی امیر مکه بود. عزل و نصب امیر مکه در اختیار خلیفه و مأمور ابلاغ و اجرای پیام خلیفه، امیرالحاج بود. گاهی اجرای دستور خلیفه، به درگیری امیرالحاج و امیر مکه و سرانجام آزار حاجیان و غارت شدن دارایی آنان ختم می‌شد؛ مثلاً در سال ۵۷۱ ق، طاشتکین از طرف خلیفه مستضی (خلافت: ۵۶۶ - ۵۷۵ ق) مأمور عزل امیر مکتب و نصب داوود؛ برادر امیر مکتب شد و به این سبب میان او و طاشتکین دشمنی پدید آمد و حاجیان نتوانستند مناسکی مانند بیتوته در

۱. ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۱، ص ۱۰۳.

۲. ابن جوزی، *المنتظم فی تاریخ الملوک والامم*، ج ۱۸، ص ۱۵۲.

۳. ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۱، ص ۲۸۷.

۴. فاسی، *العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین*، ج ۱، ص ۱۸۸.

مزدلفه و رمی جَمَره را انجام دهند. مکیان در ابطح به حاجیان حمله کردند و برخی را کشتند و دارایی حاجیان در این درگیری‌های سیاسی، غارت شد.^۱

گاهی نیز، بی‌کفایتی و بی‌تجربگی امیران حاج، فرصت سوءاستفاده را به فرمانروایان مکه می‌داد. امیر قایماز جوان و بی‌تجربه و درعین حال مغرور، در سال ۵۴۴ ق امیرالحاج شد. این موضوع باعث طمع بستن فرمانروای مکه در اموال حاجیان شد و او گروهی از اعراب زَغَب را تشویق کرد تا به حاجیان حمله و اموالشان را غارت کنند. قایماز با شنیدن خبر کمین اعراب بر راه مدینه، ابتدا از حاجیان خواست که به مدینه نروند؛ اما حاجیان نپذیرفتند و تهدید کردند که کوتاهی او را در امارت، به سلطان سلجوقی گزارش خواهند داد. به نظر می‌رسد که قایماز ترس زیادی از اعراب داشت؛ به همین سبب، به حاجیان پیشنهاد کرد تا به اعراب باج بدهند؛ اما بازهم حاجیان نپذیرفتند و در محلی بنام غُرَابی با اعراب درگیر شدند، لذا اموال ایشان غارت شد و تعداد زیادی از حاجیان پس از سرگردانی در بیابان، جان خود را از دست دادند و برخی نیز به‌زحمت خود را به شهرهایشان رساندند.^۲

اختلافات سیاسی دیگری که سفر حج را مختل می‌کرد، اختلافات میان سلاطین سلجوقی و خلفای عباسی بود که بارها در زمان خلافت مسترشد (مقتول در ۵۲۹ ق) و راشد (مقتول در سال ۵۳۱ ق) عباسی پیش می‌آمد و در این میان حکومت‌های محلی مانند بنی مَزَید حله نیز با سوءاستفاده از این شرایط درصدد کسب اموال برمی‌آمدند. مثلاً شورش و استقلال طلبی دُبَیس بن صدقه مَزیدی در عراق، علت اختلال در سفر حج سال ۵۲۳ ق بوده است.^۳ قطب‌الدین قایماز در سال ۵۷۰ ق در حله حاجیان را از رفتن به خانه خدا بازداشت و باعث تأخیر سفر حج شد و حاجیان برای رسیدن به مراسم حج، از کوفه تا عرفات را در مدت ۱۸ روز طی کردند و بسیاری از ایشان نیز به حج نرسیدند.^۴

نتیجه

غلبه تفکر اشعری و قشری‌گری در روزگار سلجوقیان سبب شده بود تا گرایش مردم به سفر حج بسیار افزایش یابد و مسافران برای رسیدن به زیارت کعبه، هر خطری را به جان بپذیرند.

۱. ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۱، ص ۴۳۲.

۲. همان، ص ۱۴۸.

۳. ابن‌کثیر، *البدایه و النهایه*، ج ۱۲، ص ۲۰۰.

۴. ابن‌اثیر، همان، ج ۱۱، ص ۴۲۶.

مشکلات سفر حج غیرقابل پیش‌بینی و اغلب مسافران در معرض انواع خطرات و آسیب‌ها بودند. راه انواع سوءاستفاده از اعتقادات مردم برای برخی امیران و فرمانروایان و بزرگان باز بود. رقابت‌های سیاسی و مذهبی عصر سلجوقیان، آثار خود را در سفر حج به صورت برجسته نشان می‌داد و مسافران از همه‌جایی‌خبر، که برای اندوختن توشه معنوی عازم سفر حج می‌شدند، تاوان‌درگیری‌های سیاسی و مذهبی را می‌پرداختند. شورش قبایل عرب و حملات اسماعیلیان به کاروان‌های حج، نشان‌دهنده ضعف خلافت عباسی و سلطنت سلجوقی بود. اغلب امیران حج و فرمانروایان مکه، با تمام فضایی که مورخان برایشان ذکر کرده‌اند، تعهد دینی و اخلاقی لازم را برای دفاع از حاجیان و مدیریت آنان نداشتند. ناامنی‌های مناطق عراق و حجاز، بسیار بیشتر از مناطق و جاده‌های داخل ایران بود. اخبار تحولات سفر حج در عصر سلجوقیان از جانب‌داری و حب و بغض خالی نیست.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر، عزالدین علی، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی، *اللباب فی تهذیب الانساب*، بیروت، دارصادر، بی تا.
۳. ابن جُبیر، محمد بن احمد، *سفرنامه*، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *المُتَظَم فی تاریخ الملوک و الأمم*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۵. ابن حزم، علی بن احمد، *جمهره انساب العرب*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۳ م / ۱۴۲۴ ق.
۶. ابن قلانسی، ابویعلی حمزه، *ذیل تاریخ دمشق*، بیروت، مطبعه الآباء الیسوعین، ۱۹۰۸ م.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایه والنهایه*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ ق.
۸. اقبال، عباس، وزارت در عهد سلاطین سلجوقی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و یحیی ذکاء، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
۹. بغدادی، بهاء الدین محمد بن موید، *التوسل الی الترسل*، تصحیح احمد بهمنیار، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۱۵.
۱۰. بُنداری، فتح بن علی، *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.

۱۱. بویل، جی آ، *تاریخ ایران کمبریج* (ج ۵)، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹.
۱۲. جوینی، منتجب الدین علی بن احمد، *عنه الکتبه*، تصحیح محمد قزوینی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.
۱۳. حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵ م.
۱۴. خاقانی شروانی، *مثنوی تحفه العراقین*، تصحیح یحیی قریب، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۷.
۱۵. دفتری، فرهاد، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزاد روز، ۱۳۸۶.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
۱۷. ذهبی، شمس الدین، *تاریخ الاسلام و وقایع المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. راوندی، محمد بن علی، *راحة الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*، تحقیق و تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۱۹. سبکی، عبدالوهاب بن علی، *طبقات الشافعیه الکبری*، تحقیق محمود محمد الطنحی و عبدالفتاح محمد العلو، بی‌جا، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۴۱۳ ق.
۲۰. سنایی، مجدود بن آدم، *دیوان*، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، تهران، شرکت طبع کتاب، ۱۳۲۰.
۲۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملک والنخل*، ترجمه افضل الدین صدر تُرکه اصفهانی، تصحیح جلال نائینی، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۵۰.
۲۲. عمّری، ابن فضل الله، *مسالك الابصار فی ممالک الأمصار*، ابو ظبی، المجمع الثقافی، ۱۴۲۳ ق.
۲۳. فاسی، تقی الدین، *العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین*، تحقیق فؤاد سید، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
۲۴. قبادیانی، ناصر خسرو، *سفرنامه*، تهران، نشر زوار، ۱۳۸۹.
۲۵. قرشی، محمد بن محمد، *الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه*، کراچی، نشر کتابخانه میر محمد، بی‌تا.
۲۶. قزوینی، عبدالجلیل، *بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، مقدمه و تصحیح محدث ارموی، تهران، بی‌تا، ۱۳۳۱.

۲۷. قلقشندی، احمد بن عبدالله، *نهایه الارب فی معرفه أنساب العرب*، تحقیق ابراهیم الآیاری، بیروت دارالکتاب اللبنانین، ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م.
۲۸. کاشانی، عبدالله بن علی، *زبدالتواریخ*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.
۲۹. لسترنج، گای، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
۳۰. لوئیس، برنارد، *تاریخ اسماعیلیان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر توس، ۱۳۶۲.
۳۱. مالکی، سلیمان عبدالغنی، *بلادالحجاز منذ بدایه الأشراف حتى سقوط الخلافة العباسیه فی بغداد*، قاهره، کلیه الآداب، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م.
۳۲. مستوفی، حمدالله، *ظفرنامه (ج ۶)*، تصحیح پروانه نیک طبع، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.
۳۳. همدانی، رشیدالدین فضل الله، *جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان)*، تحقیق محمد روشن، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۷.
۳۴. ویلی، پیتر، *آشیانه عقاب (قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه)*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزانه روز، ۱۳۸۶.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی